مجلّه‌ی جغرافیا و توسعه‌ی ناحیه‌ای، شماره‌ی نهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۶

دکتر مجید یاسوری

علل پایین بودن بهره‌وری عوامل تولید در نواحی روستایی

چکیده

از ویژگی‌های مهم اقتصادی در نواحی روستایی ایران، پایین بودن بهره‌وری عوامل تولید است. بهره‌وری عوامل تولید در مناطق روستایی کشور بسیار پایین است. اقتصاد روستایی کشور تا حدود زیادی به اقتصاد کشاورزی وابسته است. در بخش کشاورزی به دلیل عدم قابلیّت جذب نیروی انسانی و وجود نیروی انسانی مازاد یا تمرکز نیروی کار و ساخت نیروی شاغل دارای بهره وری پایین است. بهره‌وری نیروی کار در سی سال گذشته رشد بسیار اندکی داشته است. عوامل مؤثّر در پایین بودن بهره‌وری عوامل تولید در مناطق روستایی را می‌توان عمدتاً به دو دسته‌ی عوامل درونی و بیرونی تقسیم کرد. این عوامل مانع از شکل‌گیری سرمایه در مناطق روستایی شده و بر عدم برخورداری از امکانات و زیرساخت‌های لازم در این مناطق مؤثر بوده است. نبود امکانات و زیرساخت‌ها در عقب ماندگی مناطق روستایی در کشور مؤثر بوده است. مقاله‌ی حاضر به بررسی و بیان مهمترین علل پایین بودن بهره‌وری عوامل تولید و در نتیجه عقب ماندگی اقتصادی روستایی اشاره دارد. این تحقیق عمدتاً به صورت اکتشافی و استفاده از منابع و اطّلاعات موجود و بهره‌گیری از نتایج بازدیدها و مشاهدات میدانی در مناطق روستایی چندین استان کشور صورت گرفته است.

کلید واژه: بهره وری، عوامل تولید ، نواحی روستایی،اقتصاد روستایی ، زیرساخت ها

درآمد:

در مورد عقب ماندگی اقتصادی مناطق روستایی دو ایده و نظر کلّی وجود دارد. دسته ای از نظریّات به عوامل اکولوژیکی و محیطی نظیر: شرایط اقلیمی ، نوع خاک ، نحوه‌ی دسترسی به آب و دسته‌ی دوم به

تاریخ دریافت: ۸۶/۹/۱۲ تاریخ تصویب:۸۷/۴/۱۳

عوامل اقتصاد سیاسی، نظیر: شرایط دسترسی به فن‌آوری، سرمایه، قوانین تجاری ، شیوه‌ی مبادله و ... اشاره دارد(چمبرز، ۱۹۸۶: ۴۰–۳۵).

در ایران یکی از دلایل اساسی عقب ماندگی اقتصادی نواحی روستایی، پایین بودن بهره‌وری عوامل تولید است. در مناطق روستایی کشور بهره‌وری عوامل تولید (نیروی انسانی، زمین، آب، سرمایه و...) بسیار پایین می‌باشد. بخش کشاورزی به دلیل عدم قابلیّت جذب نیروی انسانی و وجود نیروی انسانی مازاد و همچنین ساختار سنتی خود و در نتیجه تولید اندک، از نظر نیروی کار دارای بهره‌وری پایین است. در سی سال اخیر بهره‌وری نیروی کار رشد بسیار اندکی داشته است. این موضوع دلایل مختلفی دارد: یکی به خاطر تمرکز نیروی کار و افراد مازاد بخش، دیگر به دلیل ساخت نیروی شاغل در این بخش که دارای بافت سنتی تولید کشاورزی است. نیروی کار در بخش کشاورزی به دلیل کهولت سن و بی‌سوادی و عدم تخصّص و مهارت بارقه‌ی امید را در این بخش ضعیف کرده است، مگر این که تغییر و تحوّلی در این زمینه ایجاد شود. همچنین رشد ناچیز بهره‌وری بخش کشاورزی به دلیل عدم استفاده از وسایل نوین و مکانیزه‌ی مناسب با ساختار کشاورزی تحوّلی را طلب می کند.

نرخ رشد متوسط بهره‌وری نیروی کار در سال‌های ۶۵-۱۳۳۸، حدود ۴/۵ درصد بوده است. وخامت وضع بهره‌وری نیروی انسانی موقعی روشن‌تر می‌شود که بهره‌وری این بخش را با دیگر بخش‌های اقتصادی مقایسه کنیم. در سال ۱۳۳۸ بهره‌وری کشاورزی برابر ۴/۹ درصد بوده که این رقم برای صنعت برابر۴/۰۵ درصد بوده است. تا سال ۱۳۴۲ بهره‌وری کشاورزی از صنعت بیشتر بوده، ولی پس از آن تا سال ۱۳۷۵، همواره بخش صنعت از بهره‌وری بیشتری برخوردار بوده است. در مجموع می توان گفت که در طول سی سال بهره‌وری نیروی کار در بخش نفت (با رقمی بسیار بالا در مقایسه با دیگر بخش‌ها) در مقام اوّل قرار دارد. پس از آن، بخش خدمات و سپس بخش صنایع و معادن و در انتهای جدول رده‌بندی بخش کشاورزی قرار دارد (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور ،۱۳۸۳). هدف این مقاله بررسی عوامل مؤثّر در پایین بودن بهره‌وری عوامل تولید در مناطق روستایی است. نبود اطّلاعات لازم و روزآمد، یکی از مهمترین مشکلات موجود در سر راه انجام این تحقیق بوده است.

علل پایین بودن بهره‌وری عوامل تولید در نواحی روستایی

عوامل مؤثّر در پایین بودن بهره‌وری عوامل تولید در مناطق روستایی را می توان به دو دسته‌ی عوامل درونی و عوامل بیرونی تقسیم کرد. در ادامه به تشریح این دو دسته عوامل اشاره می‌شود.

۱. علل درونی

مهمترین علل درونی پایین بودن بهره‌وری عوامل تولید در مناطق روستایی کشور به شرح زیر است:

۱-۱. بالا بودن زاد و ولد و نرخ رشد جمعیّت

مناطق روستایی کشور دارای نرخ رشد جمعیت بالایی هستند. نرخ بالای زاد و ولد و پیشرفت دانش پزشکی و مراقبت‌های بهداشتی که منجر به کاهش نرخ مرگ و میر شده و همچنین عدم شناخت ودرک شرایط و مصالح فردی و خانوادگی و اجتماعی کوتاه‌مدت و بلندمدت، باعث شده است که رشد سریع جمعیّت در دهه‌های گذشته پدیدار شود.

یکی از دلایل بالا بودن رشد جمعیّت در مناطق روستایی، بالا بودن میزان موالید در این مناطق است. میزان موالید در مناطق روستایی بسیار بالاتر از مناطق شهری است. بر اساس اطّلاعات موجود میزان موالید در سال ۱۳۷۵ در کل کشور حدود ۴۲ در هزار بوده است . در همین سال میزان موالید در مناطق شهری ۳۲٫۵ و در مناطق روستایی حدود ۴۹ در هزار بوده است(جوان، ۱۳۸۰: ۲۸۱). بالا بودن نرخ رشد جمعیت در این مناطق باعث افزایش نرخ بیکاری، افزایش نرخ مهاجرت روستائیان به شهرها و به تبع آن افزایش سالخوردگان، افزایش نسبت افرادی که پایین‌تر از حدّاقل معیشت قرار دارند، افزایش بعد خانوار، افزایش بار تکفل ، پایین بودن نرخ پس انداز، جوانی جمعیت، کاهش تجربه، کاهش امکان استفاده از فن‌آوری و کاهش سطح سواد و مهارت می‌شود. از طرف دیگر بالا بودن نرخ رشد جمعیت باعث می‌شود تا سرانه‌ی زمین و امکانات تولید به شدّت کاهش یابد. این موضوع در کاهش درآمد خانوارها اثر می گذارد. کاهش درآمد موجب کاهش دسترسی به امکانات تولیدی شده و مانع از بهره‌برداری مناسب از عوامل تولید می‌شود. علاوه بر بالا بودن نرخ رشد جمعیّت ، بالا بودن میزان بی‌سوادی از عمده‌ترین خصیصه‌های جمعیّتی مناطق روستایی است. در سال ۱۳۷۵ حدود ۱۳ درصد از خانوارهای روستایی کشور فاقد حتی یک فرد باسواد در خانوار خود بوده‌اند(همان ، ۲۸۱). اطّلاعات

موجود نشان می‌دهد که میزان بی‌سوادی در مناطق روستایی بسیار بیشتر از مناطق شهری است. همچنین میزان بی‌سوادی در بین زنان روستایی نیز بسیار بالاتر از مردان روستایی است.

۱-۲. عدم دسترسی به امکانات عمومی:

اغلب روستاهای کشور به امکانات عمومی در زمینه‌های آموزشی، بهداشتی و درمانی، خدمات عمومی، خدمات زیربنایی و رفاهی، دسترسی کافی ندارند. نبود امکانات عمومی مانع از بهره‌برداری بهینه از منابع تولید می‌شود. کمبود و یا عدم دسترسی به خدمات تولیدی در افزایش هزینه‌های تولید،کاهش درآمد و در مواردی از بین رفتن محصولات کشاورزی روستائیان دخالت دارد. یکی از موارد مهم که به کمبود امکانات بستگی داشته، میزان بی‌سوادی در روستاهاست. هر چند عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در این امر تأثیر داشته، امّا نبود دسترسی به امکانات آموزشی و ناتوانی مالی روستائیان در این موضوع اثر داشته است.

۱-۳. غلبه داشتن کشاورزی سنّتی به عنوان مهمترین بخش اشتغال و تولید

فعالیّت اصلی روستائیان ایران، کشاورزی است و تقریباً تمام شاغلان بخش کشاورزی در مناطق روستایی ساکن هستند. بر اساس آخرین گزارش رسمی مرکز آمار ایران در مورد سطح زیر کشت محصولات کشاورزی، حدود ۸۶ درصد از زمین‌های زیر کشت آبی، ۸۵ درصد زمین‌های زیر کشت دیم، ۷۸ درصد باغ‌ها و قلمستان‌های موجود به بهره برداری روستایی تعلّق دارد. از سوی دیگر ۸۲ درصد بز و بزغاله، ۸۴،۲ درصد گوسفند و بره، ۹۰ درصد گاو و گاو میش کشور در مناطق روستایی قرار دارد. در واقع ، بیش از ۸۷ درصد منابع تأمین امنیّت غذایی در مناطق روستایی جای دارد(افتخاری، ۱۳۸۲: ۵۷).

رواج کشاورزی سنتی و پراکندگی زمین‌های کشاورزی، توزیع ناعادلانه‌ی مالکیّت زمین، بالا بودن نرخ بی‌سوادی، پایین بودن نرخ پس انداز، کمبود منابع مالی، پایین بودن سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و کاربرد تکنولوژی عقب مانده، باعث کاهش بهره‌وری زمین، آب و نیروی انسانی می‌شود. پایین بودن بهره‌وری نیروی انسانی زمانی اتفاق می‌افتد که تعداد افراد بیشتری در یک قطعه زمین مشغول به کار باشند. به عبارت دیگر وقتی عملیات مختلف کشاورزی (کاشت، داشت و برداشت) در یک هکتار زمین به دو کارگر نیاز داشته‌باشد، و عملاً بیش از چهار تن در این قطعه زمین مشغول باشند، بهره‌وری نیروی کار به نصف کاهش یافته است.

قابل ذکر است که در کشورهای پیشرفته به برکت وجود واحدهای تحقیقاتی و پژوهش گسترده، هر روز شاهد عرضه‌ی انواع مختلفی از بذرهای اصلاح شده، سموم دفع آفات و کودهای شیمیایی متناسب با نیاز کشاورزان بوده و با توجه به نرخ بالای با سوادی و وجود امکانات مالی، شیوه‌های جدید به سرعت جایگزین شیوه‌های قدیمی کشاورزی می‌شود به گونه‌ای که کمتر از ۵ درصد نیروی کار این کشورها دراین بخش شاغل بوده و قادر است نه تنها نیازهای غذایی مردم و موادّ اولیه‌ی سایر بخش‌های داخلی را تأمین کند، بلکه قادر است مقادیر قابل توجهی از تولیدات خود را صادر نماید.

۱-٤. محدودیّت منابع تولید

یکی از عواملی که نقش مؤثّری در پایین بودن بهره‌وری عوامل تولید دارد، محدودیّت منابع تولید است. در مناطق روستایی کشور منابع تولید اعمّ از زمین، آب و سرمایه بسیار محدود است. در برخی از مناطق روستایی کشور نظیر مناطق شمال و شمال غرب کشور محدودیّت زمین از عمده‌ترین مشکلات است. در بخش‌های دیگر به دلیل محدودیّت‌های محیطی و اقلیمی، منابع آب بسیار کم است.

از مجموع ۱۶۵ میلیون هکتار اراضی کشور حدود ۶۰ درصد از آن مناطق کوهستانی و یک سوم دیگر مناطق بیابانی است. برآوردها نشان می دهد که حدود۳۳ درصد خاک‌های کشور، یعنی حدود ۵۱ میلیون هکتار، دارای استعداد کشاورزی است. از این میزان بالغ بر ۳۲ میلیون هکتار در امر تولید به کار گرفته نمی‌شود.

علاوه بر محدودیّت منابع در مواردی از منابع محدود استفاده مناسبی نمی‌شود. از مجموع اراضی زیر کشت در سال ۱۳۸۲ ، حدود ۵۳ درصد به صورت کشت دیم بوده که بیشتر دارای بازده بسیار کم است. (عملکرد گندم دیم ، ۹۲۰ کیلو گرم و عملکرد جو ، ۸۳۰ کیلو گرم بوده است. در حالی که گندم آبی ، بیش از ۳ تن و جو آبی حدود ۲,۷ تن بوده است.)

بنابرگزارش فائو، حداقل ۴۰ درصد گندم ایران در مناطقی کشت می‌شود که از هر هکتار تنها ۸۰۰ کیلو گرم برداشت می‌شود و حتی در زمین‌های تحت آبیاری نیز متوسط عملکرد گندم در هر هکتار به ندرت از سه هکتار تجاوز می کند که کمتر از نصف عملکرد تولید گندم در مصر به میزان ۶/۴ تن در هکتار می‌باشد، ولی با این‌حال در سال ۲۰۰۴ میلادی به دلیل بارندگی خوب و به موقع، متوسط عملکرد تولید گندم در ایران به

۲/۳ تن در هر هکتار رسید، که اندکی پایین‌تر از متوسط عملکرد جهانی تولید گندم یعنی ۲/۶ تن در هکتار می‌باشد(www.iran-emrooz.net/index.php).

عدم استفاده از آب‌های جاری و سطحی، عدم استفاده از انرژی باد و خورشید، نبود شناخت از قابلیّت‌های محیطی، نبود امکانات بهره‌برداری بهینه از قابلیّت‌های محیطی به دلیل نبود دسترسی به ابزار و امکانات مناسب مانع از بهره‌برداری از منابع محدود شده است.

۱-۵. نبود قوّه‌ی خلاقیّت و ابتکار

در مناطق روستایی، به دلایل مختلف، قوّه‌ی خلاقیّت و ابتکار کم است. عواملی نظیر، فرهنگ سنتی علاقه به گذشته، عدم اطمینان نسبت به ایده‌ها و دیدگاه‌های جدید، پایین بودن ضریب ریسک پذیری، ضعف و عدم کارایی نظام آموزشی در پایین بودن ابتکار و خلاقیّت در مناطق روستایی مؤثر است. همچنین عوامل دافعه روستایی و جاذبه های شهری باعث مهاجرت افراد تحصیل کرده و با سواد از روستا شده است. عوامل فرهنگی و اجتماعی، عوامل اقتصادی، تنگناهای محیطی نیز در مهاجرت افراد نقش داشته و در نتیجه مناطق روستایی از نیروهای جوان و تحصیل کرده خالی می‌شود. این موضوع در پایین بودن ابتکار و خلاقیّت نقش داشته‌است.

مهاجرت، فرایند گزینشی است که در ابتدا، افراد نسبتاً آموزش دیده، ماهر و خلاّق و دارای انگیزه بالای کاری را از مناطق مهاجر فرست جذب می‌کند (توتونچی، ۱۳۸۲: ۳۵).

بنابراین مهاجرت مستمر به خارج از منطقه، به خالی شدن روستاها از سرمایه‌ی انسانی و تراکم آن در مناطق شهری منتهی می شود و بهره‌وری این مناطق را ضمن کم‌کردن بهره وری مناطق روستایی ، افزایش می‌دهد. در طول زمان تراکم سرمایه‌ی انسانی، رشد اقتصادی مناطق شهری را تقویت می‌کند.

۱-٦. کمبود سرمایه و کالاهای سرمایه‌ای

در مناطق روستایی، سرمایه محدود است. به دلیل ناچیز بودن میزان پس‌اندازها که خود ناشی از نازل بودن درآمد سرانه‌ی افراد روستایی است، سرمایه شکل نمی‌گیرد. به علاوه سرمایه‌ی شکل گرفته یا در بانک‌های شهری پس‌انداز شده ویا در خرید و فروش طلا و جواهرات، خرید و فروش زمین در مناطق شهری و... از دسترس خارج می‌شود. از طرف دیگر با توجه به پایین بودن سطح سواد و مهارت استفاده از ماشین آلات،

سرمایه‌های موجود به طور صحیح به‌کار گرفته نمی‌شود و نتیجه‌ی آن پایین بودن بهره‌وری سرمایه در این مناطق است.

۱-۷. کوچکی، تعدّد وپراکندگی قطعات زراعی

پراکندگی قطعات و کوچکی آن‌ها یکی از دشواری‌ها و موانع اصلی در راه افزایش تولید و توسعه‌ی کشاورزی است. این عامل در پایین بودن بهره‌وری عوامل تولید (زمین، نیروی کار و سرمایه) در مناطق روستایی بسیار اثر گذاشته‌است.

در یک دسته‌بندی کلّی می‌توان به دو عامل اصلی در پراکندگی اراضی کشاورزی اشاره کرد، یکی عوامل جغرافیایی و طبیعی و دیگری عوامل اقتصادی و اجتماعی است. در دسته‌ی عوامل جغرافیایی و طبیعی؛ اختلاف در مرغوبیّت اراضی، اختلاف در میزان دسترسی به آب، دوری یا نزدیکی اراضی‌نسبت به روستا، محدودیّت منابع آب و خاک در کوچکی و پراکندگی قطعات اراضی اثر گذاشته است.

در دسته‌ی عوامل اقتصادی و اجتماعی؛ نظام ارباب و رعیتی، اصلاحات ارضی، ابتدایی بودن وسایل تولید، تقسیم زمین‌ها بین ورّاث براساس قانون ارث، افزایش جمعیّت، اشکال مالکیت و نظام‌های بهره‌برداری، نقش مؤثّری در کوچکی و پراکندگی قطعات زراعی دارد. براساس آخرین آمار منتشره از سوی مرکز آمار ایران (نتایج سرشماری کشاورزی سال ۱۳۸۲) وسعت کل اراضی کشاورزی ایران اعمّ از اراضی زراعی و باغ و قلمستان حدود ۱۷۶۶۵۴۸۹ هکتار است. این میزان اراضی توسط ۳۱۵۳۲۴۴ واحد مورد بهره‌برداری قرار می گیرد (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۳: ۱۳) . مساحت متوسط زمین‌های مربوط به هر بهره‌برداری در این سال معادل ۴/۱ هکتار بوده است. از کل ۱۷/۷ میلیون هکتار زمین کشاورزی ایران حدود. ۱۶/۲ میلیون هکتار آن اراضی زراعی و بقیه (۱/۵ میلیون هکتار) را باغ و قلمستان به خود اختصاص داده است.

براساس اطّلاعات سال ۱۳۶۷، وسعت اراضی زراعی ایران ۱۷/۱ میلیون هکتار و تعداد واحد بهره‌برداری‌ها ۶۰۰۸۱۹۲ واحد بوده است (ابراهیمی، ۱۳۷۶: ۲۱). براساس این اطّلاعات، متوسط واحدهای بهره‌برداری ۶/۵ هکتار بوده است. در فاصله‌ی سال‌های ۸۲-۱۳۶۷ متوسط واحد بهره‌برداری از ۶/۵ هکتار به ۴/۱ هکتار کاهش یافته است.

تلفات آب، اتلاف نیروی انسانی، عدم استفاده مؤثر از ماشین آلات کشاورزی، مصرف بیشتر نهاده‌ها به خصوص بذر و کود، عدم استفاده مؤثّر از سرمایه درقطعات کوچک و پراکنده از عمده‌ترین معایب به شمار می‌آیند. این معایب ، مانع از بهره‌برداری مناسب از عوامل تولید در بخش کشاورزی می‌شود.

پراکندگی اراضی سبب می‌شود که بهره‌وری نیروی کار و سرمایه کم شده، هزینه‌ها افزایش یافته و بخش وسیعی از اراضی به همراه مقدار قابل توجهی آب هدر رفته و هزینه‌ی مبارزه با آفات و غیرو... نیز افزایش یابد (همان: ۲۵).

از نظر نیروی کار، فرد در مزارع بزرگتر قادر است از ماشین آلات و تجهیزات جدید و مجهّزتری استفاده نماید و از این طریق می‌تواندکارهای مربوط به مزراع وسیع‌تر را انجام داده و تولیدات بیشتری داشته باشد، که در مزارع کوچکتر قادر نیست. پراکندگی اراضی موجب هدر رفتن هزینه های فرصت (اتلاف زمان از طریق آمد و شد میان قطعات پراکنده ، هزینه های اضافی ناشی از جابه جایی نیروی انسانی ، وسایل و ... بین قطعات) شده و در نهایت کارآیی مدیریت را پایین می آورد.(رکن الدین افتخاری، ۱۳۷۴: ۳۷)

زارع در اراضی یکپارچه‌و یکدست، به دلیل تنوّع کمتر محصولات، تخصّص بیشتری نسبت به کارش می‌تواند پیدا کند. در اراضی یکپارچه مدّت زیادی از وقت مفید کار صرف رفت و آمد نمی‌شود. بنابراین در اراضی کوچک و پراکنده میزان کارایی و بهره‌وری نیروی انسانی به مراتب کمتر از اراضی یکپارچه است.

استفاده درست و بهینه از ماشین‌آلات کشاورزی، بستگی زیادی به وضعیّت زمین‌های کشاورزی دارد و زمین‌هایی که دارای طول و عرض مناسبی بوده و مسطّح هستند، با کاربرد ماشین‌آلات در این اراضی بهره‌وری بیشتر است. به عنوان مثال می‌توان به کاربرد سیستم‌های آبیاری تحت فشار که پیرامون یک محور درگردش هستند، اشاره کرد. هر چه وسعت زمین بیشتر باشد، تعداد دهانه‌های بیشتری قابل استفاده بوده وکارایی این دستگاه‌ها افزایش خواهد یافت.

همچنین در قطعاتی که پراکنده و کوچک هستند، از یک طرف ماشین‌آلات بزرگ، قدرت مانور زیادی نداشته و از طرف دیگر مدتی از وقت مفید ماشین‌آلات در بین این قطعات پراکنده ، صرف رفت و آمد می‌شود. درنتیجه کارایی این ماشین‌آلات در قطعات کوچک و پراکنده بسیارکمتر از اراضی یکپارچه است. ژاکوبی(۱۹۶۸) این نکته را خاطر نشان می سازد که ساختار فضایی پراکنش در اراضی زراعی، امکان افزایش راندمان در عوامل تولید و نیروی کار،زمین، سرمایه و ... را محدود می‌سازد. (همان،۳۸)

علاوه برموارد بالا، از آن‌جا که در قطعات کوچک نیاز به مرز بندی می‌باشد، لذا بخشی از مساحت زمین به مرز بین قطعات اختصاص یافته و زمین به عنوان یک عامل کمیاب در برخی مناطق بـه هـدر رفتـه و بـه طـور مطلوب مورد بهره‌برداری قرار نمی‌گیرد. بنابراین بهره وری عوامل تولید در اراضی کوچک و پراکنـده بـسیار پایین است.

۲. عوامل بیرونی

۲-۱. دوگانگی و چندگانگی اقتصادی کشور

سیستم اقتصادی کشور از دو یا چند بخش اقتصادی مجزّا از هـم تـشکیل شـده اسـت. بـه عبـارتی روابـط ارگانیک بین بخش‌های اقتصادی کشور وجود ندارد. دوگانگی اقتصادی عمدتاً به صورت زیر نمایان است:

وجود بخش پیشتاز و بخش سنتی؛

وجود منطقه‌ی شهری و منطقه‌ی روستایی؛

وجود بخش صنعتی در مقابل بخش عقب مانده کشاورزی؛

وجود بخش مالی وبانکی پیشرفته و بخش مالی قدیمی تحت کنترل سلف خران و نزولخوران.

در بخش پیشرو ، تحوّلات سریعتر اتفاق می‌افتد، سرمایه بر است، درآمد زاست، وابسته بـه بـازار و اقتـصاد تجاری است. درمقابل بخش سنتی، کاربر، اقتصاد معیشتی و تغییر و تحوّلات محدود است. ویژگی‌های منـاطق روستایی کشور که در بخش سنتی گفته شد، مانع از پویـایی اقتـصادی و فـراهم شـدن زمینـه‌هـای بهـره‌بـرداری مطلوب از منابع تولید می‌شود.

به واسطه‌ی تمرکز قدرت و تصمیم گیری در مراکز شهری، معمولاً روستاها از طریق ارزش افـزوده انتقـالی خود به شهرها به طور مداوم باعث افزایش توان شهرها می‌شوند، اما خود از لحاظ توسعه و رشد از شهرها عقـب می‌مانند. در الگوی دوگانگی، شهر و روستا در مقابل هم قرار می‌گیرد و جنبه‌های مکمّـل آن دو، کمتـر مـورد توجّه است. (سعیدی،۱۳۷۷: ۱۲۷)

وجود دوگانگی، باعث جابجایی نیروی کار و سرمایه از بخش سنتی به بخش جدید و نوین می‌شود. پـایین بودن ارزش سرمایه وبازدهی کم آن در بخش سنتی (مناطق روستایی) هیچ‌گونه انگیزه‌ای در سرمایه‌گـذاری آن

شکل نمی‌گیرد. این موضوع در کاهش بهره وری عوامل تولید و به خصوص سرمایه و به تبع آن فقـر اقتـصادی روستاها نقش مؤثّری دارد.

۲-۲. عقب ماندگی تکنولوژی

فن‌آوری شامل مهارت‌ها، دانش و روش ساخت،استفاده و انجام کارهای مفید است. بر اساس این تعریـف گاو آهن و تراکتور هر دو فن‌آوری هستند، امّا یکی سـاده و قـدیمی‌و دیگـری پیچیـده و جدیـد اسـت. عقـب ماندگی تکنولوژیک کشور در وهله‌ی اوّل در هزینه‌ی متوسط نسبتاً زیـاد تولیـد علـی رغـم دسـتمزدهای نـازل پرداختی، و در گام دوم در نسبت زیاد کار به تولید و نسبت زیاد سرمایه به تولید است، که نمایـانگر پـایین بـودن کارایی کار و سرمایه است. درگام سوم استفاده از نیروی کار غیر ماهر و متخصّص در جریـان تولیـد و در گـام آخر در استفاده از کالاهای سرمایه‌ای بیشتر برای رسیدن به خودکفایی در توسعه‌ی ملی نهفته است. (قـره‌باغیـان، ۱۳۷۵: ۵۱)

به دلیل کاربرد شیوه‌های غیرکارای تولید، متوسط هزینه‌ی تولیـد نـسبتاً زیـاد اسـت، لـذا کـاربرد کالاهـای سرمایه‌ای در بخش کشاورزی، مستلزم هزینه‌های زیادی است. از طرف دیگر کمبود نیروی متخـصّص و مـاهر امکان استفاده مطلوب از فن‌آوری جدید در جامعه‌ی روستایی را محدود کرده و در صورت استفاده نیـز دارای کارایی و بازدهی کم است. تحقیقات انجام شده در منطقه‌ی تربت حیدریـه در سـال ۱۳۷۹ نـشان مـی دهـد کـه کمبود فن‌آوری آبیاری تحت فشار یا قطره ای، بهره وری آب به شدّت کاهش یافته و کشاورزان در هر واحد تولیدی بیشتر از میزان مورد نیاز از منابع آب اسـتفاده مـی‌کـرده‌انـد. ایـن موضـوع مـانع از بـه زیـر کـشت بـردن زمین‌های دیگر به زیر کشت می شد و درکاهش درآمد روستائیان بسیار مؤثّر بوده است (یاسوری،۱۳۸۰، ۲۷۴)

۲-۳. نابرابری

در جهان کنونی نابرابری در همه سطوح؛ جهانی، ملی ، منطقه‌ای ، شهر و روستا و... وجود دارد. این نابرابری در دهه‌های اخیر به مرزهای غیر قابل تصور و انفجار آمیز رسیده است. مجموع دارایی سـه تـن از ثروتمنـدترین افراد جهان برابر با درآمدخالص ملی ۴۸ کشور فقیر جهان است(اخباری، ۱۳۸۳: ۱۴۹).

وجود نابرابری‌های منطقه‌ای، نابرابری بین شهر و روستا، نابرابری اقتصادی واجتماعی و نـابرابری در تمرکـز ثروت و سرمایه در کشور در عقب ماندگی اقتصادی نواحی روستایی و پایین بودن بهـره‌وری عوامـل تولیـدی

اثر گذاشته است. وقتی سرمایه در چند نقطه متمرکز شود، پیامدهایی را به دنبال خواهد داشت. اولاً تعداد افـرادی که بدون سرمایه و یا با دارایی کم هستند، افزایش می‌یابد، در نتیجه تقاضا برای وام بالا می‌رود. ثانیاً چون فقـرا و طبقه‌ی متوسط در اکثریّت اند، از پیامدهای جانبی رشد ، نابرابری ثروت، شکل گیری سرمایه گذاری در بـورس سهام، سفته بازی و دلالی است. محدودیّت شکل گیری سرمایه در نـواحی روسـتایی در نهایـت منجـر بـه عـدم سرمایه گذاری‌و تجهیز منابع در این مناطق می‌شود و شکاف بین نواحی‌روستایی و شهری بیشتر می‌شود.

از پیامدهای نابرابری اقتصادی بروز نابرابری اجتماعی، فرهنگی و... است. اقلیّت ثروتمند از همه گونه امتیـاز اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برخوردارند. حتی تسهیلات‌دولتی بیشتر نصیب افراد مرفّه‌تر می‌شـود. تـصوّر کنیـد دولت برای بهسازی مسکن روستایی، تجهیز مزارع سایر امور اعتبارات وتسهیلاتی را ارائـه مـی کنـد، امـا اغلـب روستائیان به دلیل نبود عدم امکان بهره گیری–اعمّ از نداشتن ضامن، عدم توان باز پرداخت سر رسید وامها و... ـ تمایلی به استفاده از این تسهیلات ندارد.

در قانون برنامه‌ی چهارم پیش بینی شده است تا دستگاه‌های اجرایی مسؤول نسبت به صدور اسـناد مالکیّـت در مناطق روستایی بزرگ اقدام کنند . این موضوع می‌تواند علاوه بر به رسمیّت شناخته شدن املاک روسـتایی، زمینه‌ی استفاده از اعتبارات بانکی را فراهم آورد.

جدول شماره ۱– ضریب جینی را در مناطق شهری و روستایی در برنامه‌های گذشته نشان می‌دهد. در واقـع وضعیّت نابرابری این مناطق را به تصویر کشیده است. بر اساس این جدول بین مناطق شهری و روستایی شکاف درآمدی زیادی وجود دارد. از طرف دیگـر در بـین منـاطق روسـتایی نیـز شـکاف درآمـدی بـالاتری مـشاهده می‌شود. در حالی که در مقایسه بین ۲۰ درصد درآمد بـالا (دو دهـک اول) در منـاطق شـهری در برنامـه‌ی سـوم توسعه ۸/۳ درصد بوده است ، این رقم در منـاطق روسـتایی بـیش از ۱۰ درصـد بـوده اسـت. یعنـی ۲۰ درصـد روستاییان دارای درآمد بالا حدودا ۱۰/۳ برابر ۲۰ درصد درآمد پایین در این مناطق است. و این مطلب شکاف درآمدی بالاتر را در آن نشان می‌دهد.

جدول ۱. شاخص‌های نابرابری بین مناطق شهری و روستایی طیّ دوره (۸۰–۱۳۶۸)

سال	ضریب جینی			نسبت دهک بالا به دهک پایین			نسبت (۲۰٪) بالا به (۲۰٪) پایین		
	کل	شهری	روستایی	کل	شهری	روستایی	کل	شهری	روستایی
میانگین دوره (۶۷ – ۱۳۶۳)	۰/۴۴۶	۰/۴۲۶	۰/۴۲۶	۲۳/۷۴	۱۹/۴۰	۲۱/۲۳	۱۱/۵۱	۱۰/۰۰	۱۰/۳۵
۱۳۶۸	۰/۴۴	۰/۴۲	۰/۴۲	۲۳/۱	۱۹/۱	۲۲/۱	۱۱/۱	۹/۷	۱۰/۲
۱۳۶۹	۰/۴۳	۰/۴	۰/۴۵	۲۳/۶	۱۶/۹	۲۸/۵	۱۱/۰	۸/۵	۱۲/۶
۱۳۷۰	۰/۴۸۶	۰/۴۷۷	۰/۴۵۲	۳۳/۴	۲۶/۳	۲۹/۰	۱۴/۲	۱۱/۹	۱۲/۸
۱۳۷۱	۰/۴۳۵	۰/۴۱	۰/۴۳۴	۲۳/۲	۱۶/۵	۲۴/۸	۱۱/۱	۸/۷	۱۱/۶
۱۳۷۲	۰/۴۲۵	۰/۳۹۳	۰/۴۳۱	۲۲/۱	۱۴/۹	۲۵/۹	۱۰/۵	۸/۰	۱۱/۵
۱۳۷۳	۰/۴۲۴	۰/۳۹۵	۰/۴۳۱	۲۰/۰	۱۴/۵	۲۲/۸	۹/۹	۷/۹	۱۰/۶
۱۳۷۴	۰/۴۲۷	۰/۴۰۲	۰/۴۳۷	۲۰/۵	۱۵/۰	۲۳/۵	۱۰/۲	۸/۲	۱۱/۳
۱۳۷۵	۰/۴۳	۰/۴۰۴	۰/۴۲	۲۰/۲	۱۵/۰	۱۹/۹	۱۰/۲	۸/۳	۱۰/۰
۱۳۷۶	۰/۴۲۲	۰/۳۹	۰/۴۲	۱۸/۹	۱۳/۹	۱۹/۲	۶/۷	۷/۸	۹/۷
۱۳۷۷	۰/۴۳	۰/۳۹	۰/۴۴	۲۱/۲	۱۴/۲	۲۳/۰	۱۰/۵	۷/۹	۱۱/۱
۱۳۷۸	۰/۴۲	۰/۴	۰/۴۳	۱۹/۴	۱۴/۳	۲۰/۳	۹/۹	۷/۹	۱۰/۲
۱۳۷۹	۰/۴۳۰	۰/۴۰۶	۰/۴۲۹	۲۰/۰۷	۱۵/۰۹	۲۰/۶۴	۱۰/۱۳	۸/۲۰	۱۰/۳۱
۱۳۸۰	۰/۴	۰/۴۱۱	۰/۴۱۵	۱۹/۴۰	۱۵/۴۴	۱۸/۲۲	۹/۹۶	۸/۳۶	۹/۵۰

مأخذ: آمار و بودجه خانوار، مرکز آمار ایران

۲-٤. تفاوت بین درآمد – هزینه خانوار شهری و روستایی

یکی از علل رکود اقتصادی در مناطق روستایی درآمد و هزینه خانواده‌های روستایی است. بین درآمد و هزینه‌ی خانواده‌های شهری و روستایی در دهه‌های اخیر تفاوت‌هایی وجود داشته است. عواملی که باعث

مهاجرت‌های روستائیان می‌شود ؛ عوا مل اقتصادی ، سیاسی ، زیست محیطی و فرهنگی و یا آمیزه ای از همه‌ی این عوامل باعث مهاجرت روستائیان به شهرها می‌شود و در نتیجه خالی شدن روستا از نیروهای فعّال جمعیت ، و از دست رفتن توان و قدرت تولید را به دنبال خواهد داشت . از عوامل دیگر، اختلاف سطع درآمد بین مناطق شهر و روستا است. قوی‌ترین انگیزه مهاجرت برای افراد و بخصوص جوانان دست‌یابی به درآمد بیشتر است که در نتیجه‌ی نبود بازارکار به وجود می‌آید. کاهش نسبت نیروی‌کار تحصیل کرده در میان روستائیان باعث رکود فعالیّت‌های کشاورزی می‌شود . در نتیجه سهم این نیروی تحصیل کرده در روستا کم شده و باعث کاهش تولید و عدم انتقال یافته‌های جدید علمی به بخش تولید روستایی می‌شود و توان اشتغال‌زایی روستا دچار انحطاط می‌شود. مسأله‌ی مهم در این جا ایجاد طرح‌های جدید اشتغال‌زایی در روستاها برای کاستن روند مهاجرت روستائیان به شهر است. (سلی ، ۱۳۷۳: ۵۷)

کاهش میزان فعالیّت در بخش کشاورزی دلایل زیادی دارد، ولی ارتباط بازار کار و مهاجرت از مناطق روستایی دارای اهمیت ویژه ای است. با توجه به آمارهای موجود مهاجرت به دلیل درآمد صورت می گیرد. مهاجرین بخش کشاورزی که دارای درآمد پایین هستند، به طرف مناطق با درآمد بالاتر سرازیر می‌شوند. (هاشمی، ۱۳۷۸: ۱۱)

جدول شماره ۲. وضعیّت فقر را در مناطق شهری و روستایی نشان می‌دهد. بر اساس اطلاعات این جدول، فقر نسبی و مطلق در مناطق روستایی، طیّ برنامه‌های گذشته نه تنها بهبود چندانی نیافته است ، بلکه همواره از سطح فقر در مناطق شهری بالاتر بوده است. نکته‌ی قابل توجه فاصله و شکاف بالای میزان فقر در مناطق شهری و روستایی است. در حالی که میزان فقر مطلق در مناطق روستایی در ابتدای برنامه‌ی سوم ۲۲/۴ درصد بوده است. این رقم در مناطق شهری ۱۱/۶ درصد یعنی تقریباً نصف میزان فقر در مناطق روستایی است. یکی از مهمترین عوامل بالا بودن فقر در مناطق روستایی ، وجود تنگناها، محدودیّت‌ها و زیرساخت‌هاست. از طرف دیگر محدودیّت‌های بازار، بخش وسیعی از ارزش افزوده مناطق روستایی را از دسترس آنان خارج می کند و در نتیجه درآمد در این مناطق بسیار پایین است.

جدول شماره ۲. درصد خانوارهای شهری و روستایی زیر خط فقر نسبی و

خط فقر مطلق (۷۸-۱۳۶۸)

سال	فقر نسبی خط		خط فقر مطلق	
	مناطق شهری	مناطق روستایی	مناطق شهری	مناطق روستایی
میانگین دوره (۶۷-۱۳۶۸)	۲۱/۴۸	۲۲/۱۵	۱۵/۱۳	۲۳/۷۷
۱۳۶۸	۲۱/۶۹	۲۱/۱۲	۱۷/۲۶	۲۵/۸۵
۱۳۶۹	۱۹/۱۱	۲۳/۶۷	۱۶/۵۶	۲۵/۳۹
۱۳۷۰	۲۰/۴۸	۲۴/۶۸	۱۴/۵۲	۲۶/۷۴
۱۳۷۱	۱۹/۵۱	۲۴/۴	۱۴/۳۴	۲۵/۲۱
۱۳۷۲	۱۸/۷	۲۲/۹۷	۱۲/۷۲	۲۵/۳۳
۱۳۷۳	۱۷/۹۴	۲۱/۷۱	۱۱/۰۳	۲۲/۸۲
۱۳۷۴	۱۸/۸۵	۲۳/۴۱	۱۲/۶۶	۲۲/۹۸
۱۳۷۵	۱۹/۳۶	۲۱/۹۵	۱۲/۵	۲۳/۳۹
۱۳۷۶	۱۷/۷۴	۲۱/۳۱	۱۱/۱۹	۲۲/۳
۱۳۷۷	۱۸/۷۲	۲۱/۷۶	۱۰/۴۳	۲۲/۶۳
۱۳۷۸	۱۸/۲۹	۲۲/۶۵	۱۱/۲	۲۰/۶۶
میانگین برنامه‌ی سوم توسعه	۱۸/۵۹	۲۲/۲۲	۱۱/۶۰	۲۲/۳۹

مآخذ: آمار بودجه خانوار مرکز آمار ایران

نابرابری در سطح دستمزدها یکی دیگر از مواردی است که باعث تشدید مهاجرت نیز می‌شود. در مناطق با نهاده‌های ضعیف اقتصادی و هزینه‌ی حمل و نقل بالا، دستمزدها پایین خواهد بود. و جریان آزاد کالا و سرمایه دستمزدها را به سطح دستمزدهای پرداختی در مناطق شهری نخواهد رساند. بنابر این ، دستمزد یک فشار برای مهاجرت به شهرهای بزرگ و کوچک به شمار می‌رود(کالیر پل،۱۳۸۳: ۱۶).

۲-۵. الگوهای توسعه

الگوهـای توسـعه مـی‌توانـد از نظـر قلمـرو ومحـدوده‌ی فعالیّـت بخـش دولتـی و خـصوصی بـه الگوهـای برنامه‌ریزی متمرکز، خصوصی وعدم تمرکز، مختلط ویا تلفیقـی طبقـه‌بنـدی شـود. در الگوهـای برنامـه‌ریـزی متمرکزدولت به تعیین اهداف برنامه‌ها، سیاست‌ها و تدابیر می‌پردازد.این الگوبه ساختار بـازار تـوجهی نـدارد. در چنین شرایطی بخش‌های سنتی همواره عقب‌مانده‌تـر هـستند، چـرا کـه دولـت تـوان کـافی در حمایـت از ایـن بخش‌ها ندارد. از نظر توسعه‌ی فعّالیّت بخشی الگوهـای توسـعه بـه الگـوی توسـعه‌ی صـنعتی، کـشاورزی و یـا تجارت تقسیم می‌شود.

ایران علی‌رغم این که در برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه پـس از انقـلاب ، کـشاورزی بـه عنـوان محـور توسعه قلمداد گردید، اما عملاً الگوی توسـعه کـشاورزی پیـاده نـشد. در الگـوی توسـعه‌ی کـشاورزی، تمـامی امکانات و عوامل جامعه و نیز تمام تلاش‌های جامعه در راستای افزایش سـطح زیـر کـشت، متوسـط تولیـد در هکتار ونیر کاهش هزینه‌های تولید محصولات کشاورزی به کار گرفته می‌شود (همان منبع: ۷۸) در این برنامه‌هـا بخش کشاورزی نتوانست در مقایسه با سایر بخش‌ها به تجهیزو نوسازی خود بپـردازد و از تحـوّلات بـه وجـود آمده بهره گیرد. در نتیجه کارایی عوامل تولید در این بخش کاهش یافته و یا بهبود نیافت. از طرف دیگر به دلیـل محدودیّت سرمایه در مناطق روستایی و مشکلات ساختاری بخش کشاورزی که مـانع از جـذب سـرمایه‌هـای ملّی، اعتبارات و تسهیلات گردید و همچنین عدم تمایل بخش خصوصی در کشاورزی الگوی توسعه بـه کـار گرفته شده در این بخش عمدتاً کاربر بوده است تا سرمایه بر.

در الگوی توسعه‌ی کاربر [1] به دلیـل بـه کـار گیـری فـراوان از نیـروی کـار هزینـه‌هـای تولیـد محـصولات کشاورزی بالارفته و عمدتاً امکان افزایش ارزش افزوده در بخش فراهم نگردید. پـایین بـودن ارزش افـزوده در کاهش درآمد و کاهش بهره‌برداری عوامل تولید در مناطق روستایی اثر گذاشته است.

۲-٦. قوانین و مقررّات و اثرات اقتصاد سیاسی

در وضعیّت کنونی جهان ما نمی تـوانیم بـدون تحلیلـی تمـام و کمـال از اثـرات صـنعتی شـدن، توسـعه‌ی اقتصادی، و جهانی شدن بازارها بر نواحی روستایی، شناختی از این پدیده‌هـا داشـته باشـیم. چـالش موجـود در

---

۱. labour-intensive

تأمین غذا و خودکفایی در محصولات استراتژیک از یک طرف، محدودیّت منـابع و مـشکلات سـاختاری در بخش کشاورزی از طرف دیگر وتلاش‌های دولت در حمایت از این بخش که در قوانین و مقررّات ومصوّبات شورای اقتصاد تجلّی می‌یافت، باعث گردید تا مناطق روستایی که مراکز تولید کشاورزی بـوده‌انـد در شـرایطی قرار گیرند که عملاً امکان رقابت با اقتصاد ملی و اقتصاد نفت را نداشته باشند.

افزایش و کاهش قیمت نفت در دهه‌های اخیر، درگیری کشور در مرزهای غربـی، محاصـره‌ی اقتـصادی، مشکلات داخلی ناشی از تورم و بیکاری همگی موجب گردید تا دولت در بسیاری مواقع به اتخـاذ تـصمیمات مقطعی اقدام کند. از طرف دیگر کسری بودجه، استقراض خارجی و استقراض از بانک مرکـزی بـرای جبـران کسری بودجه باعث گردید تا عملاً دولت نتواند به اقدامات عمرانی زیر بنایی در بخش کشاورزی دست بزنـد. در سال‌های اخیر سهم اعتبارات عمرانی کشور کمتر از ۲۰ درصد بوده است. بخصوص فصل کشاورزی دارای سهم کمتری از سایر فصول بوده و یا بنا به نیاز بخش کشاورزی از سهم چندانی برخوردار نبوده است.

وجود قوانین و مقررّات دست و پاگیر در زمینه‌ی صادرات و واردات محصولات و نهاده‌های کـشاورزی، وجود قوانین و مقررّات محـدود کننـده در اسـتفاده از اعتبـارات و تـسهیلات بـانکی، مـشکل مالکیّـت زمـین و نظام‌های بهره‌برداری، نبود حتمیّت در مالکیت منابع آب و خام در عرصه‌های طبیعی کشور، مشکلات حقـوقی در بهره‌برداری از منابع آب سطحی واراضی پشت سدها، نبود اسناد مالکیت اراضی، نبود سیاست‌هـای کـشت، عدم وجود و عدم اجرای قوانین مرتبط با تغییرات کاربری اراضی، پایین بـودن و عـدم پوشـش خریـد تـضمینی محصولات کشاورزی [۲]، عدم حمایت‌های لازم از محـصولات کـشاورزی و واردات بـی‌رویـه‌ی محـصولات کشاورزی نظیر چای، پنبه، برنج و... که آسیب‌پذیری محصولات داخلی را به شدّت افزایش داده است.

همچنین وجود واردات غیر قانونی و قاچاق و اقتصاد غیر رسمی باعـث از بـین بـردن فرصـت‌هـای لازم در بهبود شرایط افزایش بهره‌وری عوامل تولید در این بخش شده‌است.

۲- یکی از دلایل پایین نگه داشتن قیمت محصول کشاورزی در ایران، جلوگیری از افزایش قیمت این محصولات و کمک به شهرنشیان است. تا محصولات کشاورزی با قیمت کمتری به دست مصرف کنندگان شهری برسد

نتیجه گیری

علاوه بر موارد بالا، در یک جمع‌بندی کلّی می‌توان عوامل زیر را که از جمله مشکلات کشاورزی در ایران است، به عنوان عوامل مانع از توسعه وافزایش بهره‌وری عوامل تولید در این بخش بیان کرد:

– پایین بودن سطح آموزش ترویج و تحقیقات در بخش کشاورزی؛
– بالا بودن سطح شاغلان در این بخش؛
– پایین بودن سطح درآمد روستائیان به نسبت شهرنشینان؛
– مشخص نبودن مالکیّت اراضی ومسایل و مشکلات حقوقی و ساختاری نظام ارضی؛
– پایین بودن میزان سرمایه گذاری بخش خصوصی در کشاورزی؛
– نبودن ارتباط تنگاتنگ بین این بخش و سایر بخش‌های اقتصادی؛
– کمبود نیروی انسانی جوان و متخصّص (حدود ۴۶ درصد از شاغلان بخش کشاورزی در سال ۱۳۸۲ بیش از ۵۰ سال سن داشته‌اند)؛
– مسائل مربوط به سرمایه گذاری و اعتبارات در بخش کشاورزی؛
– کمبود و عدم بهره‌برداری صحیح از منابع آب؛
– نبود بازار مناسب و مشکلات و موانع بازاریابی محصولات کشاورزی؛
– پراکندگی و کوچکی زمین‌های کشاورزی که موجب عدم استفاده صحیح از نهاده‌های کشاورزی می‌شود؛
– پایین بودن سطح قیمت محصولات کشاورزی نسبت به سایر محصولات؛
– کویرزایی، فرسایش و تخریب زمین‌های کشاورزی؛
– وجود اقتصاد زیر زمینی، قاچاق و واردات بی‌رویه‌ی محصولات کشاورزی.

نتیجه‌ی موارد بالا پایین بودن بهره وری عوامل تولید ، پایین بودن میزان درآمد و عقب ماندگی نواحی روستایی است.

منابع و مآخذ

۱. ابراهیمی، ۱۳۸۱، *بررسی مزیت نسبی کشاورزی و الگوی بهینه‌ی کشت*، دانشگاه فردوسی مشهد ، دانشکده علوم اداری و اقتصادی ، پایان نامه‌ی دوره کارشناسی ارشد.

۲. احمدیان، محمد علی، ۱۳۸۲، *افزایش جمعیت شهری از دیدگاه برنامه ریزی شهری و ناحیه ای*، مجلّه‌ی جغرافیا و توسعه، شماره ۲ .

۳. اخباری ، محمد، ۱۳۸۳، *رابطه برابری با رشد اقتصادی از دیدگاه مکاتب اقتصادی ، اقتصاد و جامعه* ، تهران مؤسّسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

۴. تیاسن، آمار، ۱۳۷۷، *اقتصاد کشاورزی و فرایند توسعه‌ی اقتصادی* ، ترجمه‌ی غلامرضا آزاد و احمد یزدان پناه، تهران، وزارت بازرگانی، شرکت چاپ و نشر بازرگانی.

۵. ختایی، محمود، ۱۳۷۸، *بخش کشاورزی و نقش آن در توسعه‌ی اقتصادی کشور*، تهران: وزارت کشاورزی، مؤسسّه‌ی پژوهش‌ها و اقتصاد کشاورزی.

۶. جوان ، جعفر ، ۱۳۸۰، *جغرافیای جمعیت ایران* ، مشهد: جهاد دانشگاهی مشهد.

۷. چمبرز، رابرت، ۱۳۷۶ ، *توسعه‌ی روستایی، اولویت بخشی به فقرا* ، ترجمه‌ی مصطفی از کیا، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۴۴.

۸ دبرتین ، دیوید، ۱۳۷۶، *اقتصاد تولید کشاورزی*، ترجمه‌ی محمد قلی موسی نژاد ، رضا نجار زاده، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، مؤسسّه‌ی تحقیقات اقتصادی.

۹. رکن الدین افتخاری، عبدالرضا ، ۱۳۷۳، *بررسی دیدگاه‌های مختلف در ارتباط با فرایند یکپارچه سازی اراضی زراعی (قسمت اول)*، فصلنامه‌ی تحقیقات جغرافیایی، سال دهم، شماره۱.

۱۰. رکن الدین افتخاری، عبد الرضا ، ۱۳۸۲، *نقش روستا در امنّیت غذایی*، خلاصه مقالات همایش کشاورزی و توسعه‌ی ملی، تهران: مؤسسّه‌ی پژوهش‌های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی.

۱۱. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور ،۱۳۸۳، *قانون برنامه‌ی چهارم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران* .

۱۲. سعیدی، عباس، ۱۳۷۷، *مبانی جغرافیای روستایی* ، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها(سمت).

۱۳. سلی ، فیندل، ۱۳۷۳، *برنامه ریزی مهاجرت‌های داخلی*، ترجمه‌ی عبدالعلی لهسایی زاده ، تهران .

۱۴. قره‌باغیان، مرتضی ،۱۳۷۵، *اقتصاد رشد و توسعه* ، جلد اول ، تهران : نشر نی.

۱۵. مرکز آمار ایران ،۱۳۸۳، *گزیده نتایج سرشماری عمومی کشاورزی، ۱۳۸۲* ، دفتر انتشارات و اطلاع رسانی.

۱۶. مرکز آمار ایران ،۱۳۸۴، *سرشماری عمومی کشاورزی، ۱۳۸۲*، تهران: دفتر انتشارات و اطلاع رسانی.

۱۷. هاشمی ، حسن و دیگران، ۱۳۷۸، *پنج مقاله در باب نیروی انسانی در بخش کشاورزی* ، وزارت کشاورزی، مؤسسّه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.

۱۸. یاسوری ، مجید ، ۱۳۸۰، *بازساخت محیط برای توسعه‌ی پایدار*، دانشگاه فردوسی مشهد، پایان نامه‌ی دوره دکتری.

۱۹. Chambers ,Robert.۱۹۸۶ " *Rural development , putting the last first*, longman scientific & technical . p۳۵-۴۰

۲۰. Joachim Singelmann , ۱۹۹۶, *Will Rural Areas still matter in the ۲۱st century*? Rural Sociology Vol.,۶۱,no ۱.

۲۱. Misra,R.P. Achyuta, R.N (۱۹۹۰) "*micro - level Rural planning: principle, Methods and case stydy*", concept publishing company, New Delhi.

۲۲. *http://www.iran-emrooz.net/index.php* ?/news۲ /more /۱۲۱۲/.

مشخصات نویسنده:

دکتر مجید یاسوری دانشیار جغرافیای روستایی دانشگاه فردوسی مشهد.